

اوومه گڼه - د ۱۳۸۶ کال - د مرغومی میاشت، او د عیسوی ۲۰۰۸ کال د جنوری میاشت



## عاشورای حسینی

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان دهم محرم  
عاشورای حسینی را به تمام مسلمانان جهان و بطور  
خاص مردم مسلمان افغانستان تسلیم میگوید.

قیام امام حسین "ع" "نقطه عطف در تاریخ مبارزات  
عدالت خواهی و استادگی در برابر ستیزه جوئی، ظلم  
، استبداد و فساد اداری و اخلاقیست و بزرگترین درس  
جانبازی، شجاعت و پایداری و شهادت دلیرانه در راه  
خدا و خلق خدا و مکتب رسول خداست .

امام حسین علمبردار حق بر باطل چنان قهرمانانه در  
برابر ظلم و استبداد و انحراف از اصول و ارزشهای  
اسلام، فقط با هفتادودوتن از یاران دلیرش با لشکر  
عظیم و سراپا مجهز یزید، ان سمبول سیاه ترین  
حکومات دوران پیکار نمود و مبارزه کرد و جام شهادت  
نوشید که تا انسان و انسانیت و تا جهان است سرمشق  
نسلهای بعدی در راه مبارزه حق بر باطل باقی خواهد  
ماند . و شهادت فرمان کربلا مکتبی خواهد بود برای  
مسلمانان در راه عدالت و اسلامیت واقعی. بزرگداشت  
از عاشورای حسینی وقتی مفهوم اصلی خواهد داشت  
که مردم ما و نیروهای ترقیخواه و عدالت پسند به هدف  
تحقق ارمان و الاء انسان مبارز رسیدن به

عدالت اجتماعی سرلوحه زندگی سیاسی شان قرار  
دهند و چون.... (بقیه ص ۲)

## دوسال پربار

دوسال قبل به تاریخ دهم جدی ۱۳۸۴ مجلس مؤسسان  
سند رسمی مجوز فعالیت را از وزرات عدلیه جمهوری  
اسلامی افغانستان دریافت نمود و در قطار بیش از هشتاد  
حزب و سازمان سیاسی راجستر شده امکان فعالیت علنی  
و قانونی را بدست آورد .

گرچه دوسال و چند ماه در زندگی سیاسی احزاب زمان  
زیادی بشمار نمیروود ولی نهضت فراگیر دموکراسی  
و ترقی افغانستان درین مدت بسیار کم از حیات رسمی اش  
توانست به یک سازمان مطرح در صحنه سیاسی کشور  
بمتابه کانون ترقی خواهان ادامه دهنده مبارزین سده  
پیشین و علمبردار مبارزه عدالت خواهی ، دموکراسی  
و ترقی و رفاه عرض وجود کند و از لحاظ تشکیلاتی بین  
اقتشار مختلف اجتماعی اعم از روشنفکران ، کارگران  
، پیشه وران ، دهقانان ، علما و روحانیون ، جوانان و زنان در  
مرکز و کلیه ولایات در شهرها و دهات توسعه یابد .

توزیع کارت عضویت برای اعضای نهضت ، تاسیس  
دفاتر رسمی نهضت در شهر کابل ، بغلان ، ننگرهار  
، مزار شریف و هرات ، سازماندهی همایش بزرگ نیروهای  
ملی و دموکرات تاریخی دهم عقرب سال روان به هدف  
حضور متحدانه نیروهای ملی و دموکرات در صحنه  
سیاسی و دست یابی به تشکل این نیروها در یک جبهه  
میهنی ملی و دموکراتیک ، تماس و مذاکره با رهبران  
احزاب ، سازمانها و شخصیت های سیاسی و دینی ، استادان  
و محصلان به خاطر هماهنگی در مبارزه مشترک ، نشر  
۶ شماره راه نهضت بمتابه یکی از وسایل اطلاع رسانی  
شعبه تبلیغ در جهت بلند بردن سطح آگاهی سیاسی  
اعضای نهضت ، انجام مصاحبه های تلویزیونی میتواند  
از جمله صدها اقدام و کارهای عملی در جهت تحقق  
اهداف برنامه و تطبیق احکام اساسنامه نهضت بمشار  
میروود . مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی  
افغانستان به هیچ صورت دوسال سپری شده را از لحاظ  
فرصت زمانی در برابر کارهای انجام شده کافی ندانسته ،  
کاستی ها و نواقص کار سازمانها.... بقیه درص ۲

بقیه عاشورا....

امام حسین و یاران با وفایش در برابر ظلم و استبداد و بی عدالتی بایستند و برزمنند تا در کشور حکومت عدل انصاف، حکومت مردم بر ای مردم، نظام و حکومتی که بتواند فقر و تنگدستی، بیکاری، فساد و بیعدالتی، نا امنی و مردم ستیزی را از بین ببرد برقرار گردد .  
ما باید از مکتب حسین و قیام و شهادت حسین بیاموزیم و ارزشهای انرا سرمشق خویش قرار دهیم .  
یاد و خاطره شهدای کربلا گرامی باد !

بقیه (دوسال).....

و شوراهای ولایتی و هیئت رهبری را همیشه در جلسات مجلس مؤسسان، هیئت اجرائیه و هیئت رئیسه مورد بحث قرار داده و تدابیر برای رفع آن و بهبود کارها اتخاذ نموده است. علر غم ان از تمام واحدهای اولیه و شوراهای ناحیوی و شوراهای ولایتی و مسولین صمیمانه سپاس گذار است که با وجود مشکلات اقتصادی و گرفتاریهای زندگی شخصی کار حزبی را ترجیح داده و در خدمت مردم زحمتکش ورنجدیده خویش قرار داشته و حرف و ارمان نهضت را تا دور دست ترین نقاط کشور و در بین مردم رسانیده اند و بیرق نهضت را سربلند نگهداشته اند .

نهضت مصم است تا راه پیکار و مبارزه را مطابق خطوط مرامی خود با دلیری و قاطعیت ادامه داده و ارزومند است روزی فرارسد که نهضت فراگیر و دیگر نیروهای ملی و ترقیخواه و دموکرات در یک جبهه میهنی ملی و دموکراتیک به خاطر رفاه و سعادت انسان زحمتکش و تامین صلح و امنیت ، عدالت و دموکراسی کار و پیکار نمایند .

## ملاقات با هیئت رهبری اجتماع مدنی و فرهنگی جوانان افغانستان



کابل ۲۶ قوس: شیر محمد بزرگر رئیس مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان ، در دفتر کارش با هیئت رهبری اجتماع مدنی و فرهنگی جوانان افغانستان ملاقات نمود .

مسعود مومن معاون اجتماع مدنی و فرهنگی جوانان افغانستان در باره تاریخچه تاسیس ، هدف و کارکردهای سازمان خود معلومات داده و اعضای همراه را به ترتیب ذیل معرفی نمود :

محترم باز محمد صالحی مسول آموزش ، آقای عصمتی معاون شورای شهر کابل ، آقای عبدالوحید سالنگی حضور هبری ، محترم سید جواد دروایان مسؤل منابع

بشری و گزارشگر ، آقای حبیب الله یوسفی مسول روابط عامه ، نویدالله عسکر زاده آقای ذکر الله ، دوشیزه ظریفه حکیمی مسول کمیون کار با زنان ، و دوشیزه سونا جان از فعالین اجتماع مدنی .

سپس شیر محمد بزرگر رئیس مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان صحبت نموده حضور و تشریف اوری انانرا به دفتر مرکزی نهضت فراگیر خوش آمدید گفته افزود

"خوشحالم که خود را در میان جوانان شجاع و مسولیت پذیر میبینم . مسلماً اجتماع شما برای جامعه قانونمندی که اساس انرا شهروندی تشکیل میدهد مبارزه میکنید و این با اهداف نهضت فراگیر مطابقت دارد . محور فعالیت اجتماعی و مبارزه نهضت فراگیر را انسان تشکیل میدهد تا به صلح ، ترقی و عدالت برسد که ازادی انسان ، حرمت انسان ، ارتقا نقش او در تعیین سرنوشت و تامین حقوق اساسی و مدنی وی شرط لازم و ضروری آن است . احزاب و سازمان های اجتماعی جز جامعه مدنی به حساب می آید . ما و شما جز هم هستیم بناً ضرورت است تا پیوند ها و نزدیکی ها را ایجاد کنیم . دیدار امروز سنگپایه داعیه وحدت فردای ما باید باشد."

سپس سوالاتی از جانب هر کدام از اعضای رهبری اجتماع مدنی و فرهنگی مطرح شد که از جانب شیر محمد بزرگر جوابات مقنع داده شد.



## جلسه فعالین شهر کابل تدویر یافت

در آغوش می کشیدند و برق خوشی در چشمان همه پدیدار می شد. سر انجام رفیق عبدالله بهروز عضو هیأت اجراییه و مسوول شعبه تبلیغ و فرهنگ شورای شهر کابل عقب مکروفون قرار گرفت و در فضای سالون سکوت حکمفرما شد . بنابر خواهش محترم بهروز رفیق طاهر عقیف جلسه را با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید افتتاح نمود . سه تن شامل رفقا احسان عمر، گل رحمن و بی بی گل به حیث اعضای هیأت تحریر انتخاب شدند.

متعا قبا داکتر محمد داود راوش رییس شورای شهر کابل گزارش از کار کردهای شورای شهر را ارایه نمود.

وی از تدویر همایش سترگ و ارزشمند نیروهای ملی، دموکرات و ترقی خواه افغانستان که در شهر کابل به تاریخ ۱۰ عقرب سال روان خورشیدی با میزبانی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان ،

روز شنبه ۸ جدی ۱۳۸۶ خورشیدی جلسه فعالین شورای شهر کابل نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در تالار گلزار مارکیت واقع بره کی شهر کابل دایر گردید. در تالار شعار های بر افراشته باد درفش نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان ، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان به همه مردم افغانستان تعلق دارد ، زنده باد افغانستان واحد یکپارچه ، آزاد ، دموکراتیک و شگوفان، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان طرفدار انکشاف و رشد متوازن اقتصادی اجتماعی و سیاسی می باشد، توجه را جلب می نمود. آمد، آمد نهضتی ها شامل زنان و مردان تا نزدیکی های نه و نیم بجه صبح که در برگیرنده سابقه داران و جوانان بالنده که تازه افتخار عضویت نهضت فراگیر را کسب کرده اند، فضای سرد سالون را در زمستان گرمی می بخشید. یاران روزهای دشوار و اشنایان کارو مبارزه همدیگر را

و توجه شرکت کننده گان بدان معطوف گردید، پرداخت حق العضویت های به موقع، جمع اوری اعانه و رسانیدن ماهنامه "راه نهضت" را تا آخرین عضو نهضت فراگیر که تا حال ضعیف است بمثابه وظیفه شورا ها واحد های اولیه و فعالین حزبی برجسته گردید و بر ضرورت کار فعال و دوام دار با زنان و



جوانان اکیداً تأکید صورت گرفت.

همچنان گزارش بر وحدت ارگانیکی تأکید و هرنوع دسته بندی، گروهبازی و قوم پرستی بمثابه صدمه رسان جدی نه تنها برای مبارزه و حزب بلکه برای ثبات و استحکام کشور ما افغانستان محکوم گردید. سپس شش تن از رفقا هر یک شکریه یکی از فعالین، انجنیر شیرین زوی، صمد حکیمی، وحید جلالزاده مسوول کار با جوانان، انجنیر محمد یونس نو اندیش عضو مجلس موسسان و انجنیر حکیم بارکزی پیرامون گزارش صحبت نموده ضمن اینکه تأیید و پشتیبانی شان را از بیانیه داکتر راوش اعلام نمودند پیشنهادات و انتقاداتی را نیز مطرح کردند.

محترمه شکریه از اشتراک پایین زنان در جلسه انتقاد نمود. انجنیر شیرین زوی انتقاد کرد که تا حال چندین شماره راه نهضت به نشر رسیده ما انرا ندیده ایم به ما رسانده نه شده است. صمد حکیمی گفت ما باید مردم را سازمان بدهیم که وکلای منتخب شان در برابر آنها حضور یافته کار کرد های شانرا به سمع موکلین برسانند و از اینطریق کار با پارلمان و وکلا صورت بگیرد، وحید جلال زاده از نشاط، هیجان، و نو اوری به مثابه خصلت جوانان یاد نموده انتقاد نمود که ازین خصوصیات به نفع مبارزه و سازماندهی امور حزبی استفاده لازم نمی شود. انجنیر محمد یونس نو اندیش

انداخته شد به مثابه یکی از دستاوردهای درخورستایش همه نیروهای ترقی خواه و اعضای نهضت فراگیر یاددهانی نموده و وظایف فعالین و اعضای نهضت فراگیر را در شهرکابل برجسته ساخته و کار به خاطر تبلیغ و تشریح فیصله های تاریخی همایش وسیع کابل را یکی از الویت های اعضای نهضت فراگیر در شهرکابل خواند و آرزو نمود تا نهضتی ها همانگونه که همواره به خاطر دفاع ازمنافع علیای مردم زحمتکش کشور ما، دفاع از تمامیت ارضی و مبارزه به خاطر صلح پایدار، نهادینه شدن دموکراسی و حقوق شهروندی، تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فضای مناسب کار و زنده گی برای مردم رنجدیده افغانستان تلاش به خرج داده اند و در راه وحدت و اتحاد نیروهای تحول طلب، تجددگرا، دموکراتیک و ترقی خواه نیز همانطوری که بارها تأکید نموده اند و بدان معتقد اند، بدون هرنوع خودمحوری و بلندپروازی به خاطر تحقق این اندیشه ها از هیچ نوع تلاش میهن پرستانه دریغ نورزند. سپس رفیق راوش بالای کارهای انجام شده در شورای شهر مکث نموده، از توسعه شوراهای ناحیوی و واحد های اولیه در شهر کابل، جذب اعضای جوان و تقویت صفوف و واحد های اولیه در میان اقشار طبقات و لایه های مختلف اجتماعی اعم از استادان، معلمین، محصلین، متعلمین، پیشه وران، جامعه مدنی، روحانیون و شخصیت های فرهنگی که طی شش ماه امسال صورت گرفته است و نشانه یی از گسترش پایه های اجتماعی نهضت در جامعه است، یاد آوری نموده و افزود که فعالین و اعضای نهضت در شهرکابل به کارهای انجام شده بسنده نکرده و همانطور که همایش دهم عقرب تحرک قابل ملاحظه را در فعالیت های سیاسی در شهر کابل رونما ساخته است، بیشتر از پیش گسترش بخشید، زیرا هر دستاورد و پیشروی در مبارزه به معنای گشودن صفحه جدید و جدید تر است که باید با پیشروی ها صرف انرژی ها رقم زده شود. در گزارش روی انتخابات آینده تأکید شد و وظیفه سپرده شد تا فعالین با چهره های فرهنگی، علمی، اعضای جامعه مدنی و روحانیون طبق تقسیم اوقات ملاقات با آنها را تنظیم کنند و در ختم سال گزارش ها ارزیابی و قدم های بعدی کار روشن گردد. در گزارش تقویت روحیه انتقاد نمودن و تحمل انتقاد سالم را بخاطر ارتقا انضباط و دسپلین که فعلا مورد رضایت نیست ضروری پنداشته

روحیه جلسه را انتقاد نموده نبود شور و شعف و هیجان کافی را مایه افسرده گی خواند که مبارزین باید با آن بیگانه باشند.

**انجنیر حکیم بارکزی گفت زمان های قبل از حاکمیت ح د خ فعالین ولایات را بمرکز خواسته بودند من هم از قندهار نماینده گی می کردم . جلسه را شادروان میر اکبر خیبر پیش می برد گزارش هیچکدام قناعت وی را فراهم نکرد . در اخیر که نوبت به من رسید و گزارشات خود از رفتن به مسجد و صحبت با ملا امام محل خود یاد کردم مرا در اغوش کشید و دیگران را مخاطب قرار داده گفت این جوان مسیر کار را صحیح انتخاب کرده است . به شما رفقا امروز من توصیه میکنم راه صحیح کار میان مردم را بیاموزید و بکاربرید .**

در پایان رفیق شیر محمد بزرگر رییس مجلس موسسان جلسه را ارزیابی نمود که فشرده سخنان او چنین است: "بنام خدا و بنام ملت در خون خفته کشور ! با افتخار به سوی تالار می بینم ، رفقای پر مسوولیت و فعالین شجاع گرد هم آمده اند تا کار کردهای خود را به ارزیابی بنشینند و مسیر بعدی را روشنتر سازند که این نشست با شکوه رابه مثابه پیروزی برای همه مسوولین شهر تبریک می گویم .

جلسه امروزی ما پس از همایش وسیع ماه عقرب که شور و هلهله زیاد را در میان همه آنانی که به آرمان های والای زحمتکشان می اندیشند و خواستار تغییر بنیادی در زنده گی مردمان خسته از جنگ هستند، دایر گردیده است بدون شک آن همایش بزرگ و جمع آمد تاریخی نیروهای ترقی خواه زمینه ساز خوبی بود برای شناخت از نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان نه تنها در داخل کشور ، بلکه برای جامعه جهانی که اکنون حضور فعال و گسترده در کشور ما دارد.

ما پس از راجسترسدن نهضت فراگیر در وزارت عدلیه که اکنون دوسال از آن می گذرد، مصروف ایجاد شبکه های نهضت فراگیر در داخل و خارج از کشور بوده و به جلب و جذب یاران پیشین و اعضای جوان و تازه نفس در صفوف نهضت به تقویه پایه های نهضت پرداختیم و اکنون زمان آن فرا رسیده تا با همجو برآمدها در واقعیت امر از حضور دوباره ما بمثابه بخشی از جنبش دادخواهانه مردم افغانستان در عرصه سیاسی بشارت دهیم.

رفقا! جلسه خوب بود اما به گونه ای که باید روی نواقص مکث می کردیم نبود، گزارش طوری بود که کمبود ها و نارسایی ها مصلحت جویانه مطرح شده بود، گویا نخواستند کسی آزرده شود به همین اساس از کسانی که ضعیف کار کرده اند نام برده نه شد و رفقای که خوب کار کردند هم بر جسته نگردید.

دوستان عزیز! ما در مرحله دشوار سیاسی و امنیتی کشور ما که روزانه صدها هموطن ما در موجودیت قوت های جهانی و هیأت حاکمه نا کار آمد شهید، معیوب و معلول می شوند قرار داریم . تروریزم به قوتش صلح منطقه و ثبات کشور ما را تهدید می کند شما اطلاع دارید که صدراعظم اسبق کشور پاکستان بی نظیر بوتو را که در این دوره مبارزات انتخاباتی از دموکراسی و مبارزه بر علیه تروریزم پیشتانی می کرد تحمل نتوانست و ناجوانمردانه از بین برد ما در جلسه نباید بحیث ناظر بنشینیم . ما فرزندان تداوم عدالت ، ترقی ، سعادت انسان های سر زمین خود هستیم . ایا می شود حزبی با این خصوصیات با قضایا ازدید نو نیاستند . همایش ۱۰ عقرب را گذشتانندیم قطعنامه ۹ ماده ای به تصویب رسید اعتبار و حیثیت نهضت اعتبار و حیثیت شما در جامعه ارتقا نموده کار های بعدی بطور شمرده شده و دقیق پیشبرده می شود امروز همه بدیده احترام به شما می بینند . عناصر آشوبگر و آنانی که در جامعه مورد پذیرش نیستند از عقب تیر می زنند وتوطئه می کنند . ولی راه ما راه مبارزه است، و هیچگاه ما از پرنسیپ های مطروحه نهضت که در اسناد ما درج است عدول نکرده و هویت روشنگرانه، دادخواهانه و ترقی خواهانه خویش را قربانی سازش های غیراصولی و تسلیم طلبانه نخواهیم ساخت.

ما با عده یی که می گویند گذشته به ما متعلق نیست موافق نیستیم، بلکه از تلاش و مبارزه وطنپرستانه نیروها و شخصیت های پرافتخار ملی، احزاب و سازمانها که به خاطر آزادی، دموکراسی، تمدن ، تحول و ترقی کشور محبوب ما طی صد سال اخیر رزمیدند، ارج می گذاریم، از تجارب آنها می آموزیم و خود را رهروان این آرمان های وطنپرستانه می شماریم .

رفقا! نهضت فراگیر باید به صدای ملت تبدیل شود و این وظیفه خطیر تنها در صورتی امکان پذیر است که همه ما و شما چون مشیت واحد عمل نموده و در راه مبارزه به خاطر تحقق این خواست شریفانه همه

و جلب نیروهای ملی و دموکراتیک در اتحادها و تشکیل جبهه وسیع میهنی معطوف نمود. جلسه به آرزوی پیروزی های هرچه بیشتر نهضت فراگیر و تأمین هرچه زودتر صلح و آرامش در افغانستان به پایان رسید.

امکانات ما را وقف نماییم." در اخیر جلسه قطعنامه به تصویب رسید که وظایف واحد های اولیه و شوراهای نواحی و شورای شهر را در شرایط کنونی مشخص ساخته و همه اعضای نهضت را در کار دوامدار بین اقشار مختلف اجتماعی



## وضعیت معارف افغانستان

میر محمد شاه "رفیعی"

۱۳۸۱ بازسازی و اعمار مجدد صدها مکتب در مرکز و ولایات افغانستان ارتقای ظرفیت کادرها و اپرات مرکزی و ولایاتی معارف از طریق سمینارها، ورکشاپهای علمی و دید و بازدید های علمی از ممالک خارجی و افزودنی در حقوق کادری ریاست های تالیف و ترجمه تربیه معلم و تعلیمات تخنیک و مسلکی در سال ۱۳۸۵ و غیره اقدامات نام برد که زمینه های مساعد رشد و پیشرفت را برای انکشاف آینده معارف مساعد ساخته است.

اما باید گفت که خرابی اوضاع سیستم تعلیمی و تربیتی افغانستان بنابر اعمال شوم دشمنان علم و ترقی در افغانستان به جایی رسیده که وزارت معارف به تنهایی بدون همکاری همه نیروهای سیاسی و ملی در افغانستان و موسسات ملی و بین المللی نمیتواند به آسانی و وقت کم به اهداف پیش بینی شده خود برسند. زیرمعارف افغانستان هم اکنون به کمبود معلمین مسلکی برای تدریس، نداشتن کتاب درسی، لابراتوارها حتی صنوف درسی مواجه میباشد. محتوای اکثر مضامین که در شرایط کنونی تدریس میگردند کاربرد عملی و علمی در جامعه ندارد. در سالهای قبل با آمدن نظام های سیاسی مختلف و

تعلیم و تربیه افراد جامعه یکی از وظایف تاخیر ناپذیر و با اهمیت دولت ها و تمام نیرو های ملی و ترقیخواه جوامع بشری بشمار میرود زیرا که: انسان بمتابه نیروی افرینشگر برای اینکه بتواند وظایف و مسئولیت های خود را در جامعه مطابق تقاضای عصر و زمان انجام دهد نیازمند است تا در جهت بدست آوردن علم و هنر سعی و کوشش متداوم نماید.

خوشبختانه تاریخ معارف در افغانستان نمایانگر آنست که این مردم علم دوست و هنر پرور از زمانه های قدیم تا کنون دارای نظام معین تعلیمی و تربیتی بوده است هم اکنون بنابر هدایت مواد ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ و استراتژی ملی معارف در افغانستان ما دارای سیستم تعلیمی و تربیتی مشخص و معین هستیم. که وزارت معارف مکلف به تحقق اهداف پیش بینی شده به کمک و همکاری سایر نهادها و موسسات ملی و اجتماعی در کشور میباشد.

به خاطر بهبود وضع معارف و ارتقای سطح آگاهی و دانش اولاد وطن بعد از تاسیس اداره موقت تا اکنون گامهای برداشته شده که از جمله میتوان به ترتیب پلان ملی استراتژیک معارف تهیه نصاب تعلیمی در سال

علاقه مندي کشور های مختلف نصاب های تعليمی متعدد و مختلف مطابق نوق و علاقه کشور های مختلف تطبيق گرديده که تا اکنون آثار آن باقی مانده است.

ايجاد و تطبيق يك نصاب تعليمی واحد ملی و سراسری برای معارف مطابق نیازمندی عصر و زمان از ضروریات عاجل امروزی معارف افغانستان است . مطابق اهداف نوین معارف وزارت معارف نتوانسته برای تمام صنوف و سیستم های تعليمی کتب درسی آماده نماید طوری که دیده میشود تا اکنون وزارت معارف به نتیجه قطعی تهیه مفردات درسی و تطبيق آن در مکاتب موفق نگردیده و کوشش میشود تا با آوردن اصلاحات از کتب درسی دوران جمهوری محمد داود خان استفاده بعمل آید و مفردات تهیه شده در خارج کشور مورد بحث قرار دارد.

کمبود معلمین مسلکی بنا بر نبود ظرفیت ها و گنجایش لازم در مراکز تربیه معلم ولایات روز تا روز زیاد میشود در نصاب تعليمی دهه چهل و پنجاه معارف افغانستان به معلم اجازه تدریس داده میشود که حداقل از شاگرد خود ۵ سال سویه تعليمی بالاتر داشته باشد حالانکه امروز در مکاتب ما استادان فارغ ۱۲ در صنف ۱۲ تدریس میکنند حتی در بعضی از ولسوالی ها از جمله دو سه صد نفر معلم تنها ده و یا ۱۵ نفر آن سند فراغت صنف دوازده دارد.

در بعضی از ولایات تنها يك نفر یا دو نفر معلم بدرجه لیسانس موجود است .

بنابراین توسعه مراکز تربیه معلم به شکل لیلیه و بر نهاری و بر قراری

توامیت این مراکز با نهاد های علمی و اکادمیک کشور



های پیشرفته و مراکز علمی ملل متحد از ضروریات عاجل وزارت معارف بشمار میرود . زیرا قراریکه دیده میشود با آمدن شش نفر وزیر بعد از حکومت انتقالی در افغانستان تا کنون پالیسی های مختلف طرح و تطبيق گرديده و اپرات مرکزی و علمی يك وزیر در دوره کار وزیر دیگر تا فیصدي زيادي سبکدوش گرديده اند.

سیستم ارزیابی اسناد خارج از مرز یکی از پرابلم های موجود در این وزارت است در اوایل افراد استفاده جو و فرصت طلب توانستند اسناد جعلی زيادي را طی مراحل نمایند . هم اکنون اخذ امتحان از علمای دینی که تعلیمات خصوصی دارند بر علاوه اینکه از مجبوریات عده ای هموطنان در کشور های خارجی می کاهد اما اگر امتحان تحت نظارت دقیق و با مسولیت سپری نگردد باعث خواهد شد تا عده از افرادی کم سویه و حتی کم سواد شامل سیستم اداری کشور گردند . قراریکه دیده میشود این افراد بعد از بدست آوردن سند فراغت صنف دوازدهم علاقمند وظیفه معلمی میگردند . در تمام کشور های جهان هم اکنون سهم تعلیم و تربیه خصوصی قابل ملاحظه میباشد. وزارت معارف در حوت ۱۳۸۵ توانسته مقررہ تعلیمات خصوصی را به همکاری مراجع قانونی نافذ نماید اما تجارب کورس های خصوصی نمایانگر آنست اگر مکاتب خصوصی تحت نظارت دایمی و دقیق قرار داده نشود این مکاتب مانند اکثریت کورس ها به مرجع پول اندوزی افراد استفاده جو مبدل خواهد شد. کورسها و مکاتب تعلیمات خصوصی از افراد که به اصول تدریس آشنائی ندارند و تعلیمات شان تکمیل نیست استفاده مینمایند . این تعلیمات د رصنوف صورت میگیرد که قابل گنجایش شاملین صنف را ندارند و اکثر در مراکز تجمع مردم که کاملاً فضاي نا مناسب برای درس است صورت میگیرد . اکثر اولیای شاگردان در شهر ها و دهات از برخورد استادان با شاگردان شاکي هستند زیرا عده از استادان به علاقه مندي لازم وظایف تدریس را پیش نمی برند.

این امر ایجاب میکند تا اولیای امور معارف به تقویه ریاست محترم تفتیش دقیق و متواتر امور تدریسی مکاتب عطف توجه نماید.

ايجاد شورا های اولیای طلاب و تماس ادارات مکاتب با آنها از ضروریات معارف بشمار میرود .

شورا های طرفداران معارف باید در ولایات و

متنفذین محل اعم از علما روحانیون و افراد علم دوست را در امور معارف جلب کنند.

مشوره و همکاری احزاب نیروهای ملی علم دوست وزارت معارف را بیشتر کمک خواهد کرد. البته این گفته یک توصیه و یا رهنمائی بمقامات معارف نیست بلکه این اساس و بنیاد علمی ترتیب برنامه تعلیمی را تشکیل میدهد. یک برنامه علمی وقتی موثر و موفق است که کارشناسان مسلکی آن را به همکاری شرکا یعنی مسولین بازار کار و گردانندگان امور زنده گي در جامعه ترتیب نمایند.

یعنی اینکه برنامه های تعلیمی و نصاب تعلیمی حتماً به مشوره و تقاضای جامعه و مردم ترتیب گردد یا بعباره دیگر برنامه های تعلیمی را وزارت معارف برای مردم نمی سازد بلکه مردم است که برنامه های تعلیمی را میسازند وزارت معارف آنرا تطبیق میکنند.

بنابراین ما به این نتیجه قطعی میرسیم که همکاری جامعه یعنی مراجع سیاسی و اجتماعی با وزارت معارف در پیشرفت و توسعه معارف همگانی و سراسری حتمی و ضروری است.

ولسوالی ها تقویه و بمثابه یکی از ضروریات رشد و پیشرفت معارف در نظر گرفته شود. به نظر ما کم شدن مکتب سوزی در سال ۱۳۸۶ به تناسب سال ۱۳۸۵ بر علاوه تدابیر امنیتی و اقدامات وزارت معارف همکاری مردم و اهالی محلات قابل توجه میباشد.

سیستم موجود در مورد تقرر و تبدل معلمین و تثبیت سویه تعلیمی مورد تائید معلمین کشور قرار ندارد مطابق این طرز العمل یک نفر استاد برای معامله ترفیع خودش در سوانح و یا تبدیلی از یک ولسوالی به ولسوالی دیگر باید حتماً به مرکز مراجعه کند و بعد از روزها سرگردانی و گذشتاندن شب ها دوباره به محل خود برگردد. بهتر است تا صلاحیت ریاست های معارف ولایات در این مورد ارتقا داده شود و از تمرکز وظایف در مرکز کاسته شود.

ما معتقد هستیم که برای ایجاد یک معارف متوازن پیشرفته و مترقی ایجاب میکند تا امور معارف در مرکز ولایات از طرف کارمندان مسلکی و آگاه از امور تعلیمی و تربیتی با نظارت متداوم پیش برده شود

مسولین محترم معارف کشور با تماس دایمی شان در محلات همکاری مسولین ولایات و ولسوالی ها ،

## گاهی ارقام هم سخن می گویند: صادق روزبه

ما بیداد میکند و با وصف میلیارد ها دالر مساعدت جامعه جهانی با افغانستان ، هنوز هم وضع زنده گي اقتصادی جامعه ما ، بهبود لازمه نیافته و تغییرات



چندی قبلً بنیاد آسیای (Asia Foundation) پیرامون اوضاع افغانستان در سال ۲۰۰۷ گزارش خود را که از یک نظرسنجی ، از ۶۰۰۰ نفر در ۲۴ ولایت بدست آورده ، منتشر ساخته است و متذکر شده که ۴۲ درصد از مردم از برنامه های بازسازی دولت حمایت مینمایند و شمار کسانی که زندگی شان بهبود یافته از ۵۴ فیصد در سال ۲۰۰۶ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است.

این ارقام نشان دهنده و بیانگر آن است که تحقق برنامه های بازسازی دولت نتوانسته ، زندگی اکثریت جامعه را با وصف خواست ها و نیازمندی های آن ها ، بهبود بخشد. اگر چه فقر گسترده و بیکاری دوامدار بحیث چالش های عمده در برابر دولت و جامعه افغانی محسوب میگردد ، اما باز هم فقر و بیکاری در جامعه

واقعي در حیات آن رونما نگر دیده است. این ارقام می‌رساند که ۴۲ درصد از مردم که برنامه‌های دولت را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهند، اکثریت از جامعه نتوانسته‌اند تا از تحقق این برنامه‌ها بهره‌مند شوند و خواست‌ها و مطالبات خود را در آن‌ها ببینند.

اکنون که ما افغانستان شش سال بعد از طالبان را داریم و افغانستان از مساعدت‌های همه‌جانبه جامعه جهانی برخوردار بوده، اما طوریکه دیده می‌شود، افغانستان فرصت‌های مناسب و مساعدی را برای ترقی و پیشرفت کشور از دست داده است.

تصدی‌های دولتی که سال‌های قبل علاوه از آن که نقش برجسته‌ای را در تولیدات و کارهای ساختمانی کشور داشتند و ده‌های هزار کارگر ماهر در آن کار می‌کردند، نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌کردند و در کنار آن حیات اقتصادی بیشترین خانواده بهبود یافته بود، اما امروز آن تصدی‌ها یا بطور شتابزده خصوصی شده و یا بطور غیر فعال قرار دارند.

بهمین ترتیب توزیع کوپون برای کارکنان دولت که تعداد آن‌ها به ده‌ها هزار نفر می‌رسید و پنج قلم عمده مواد اولیه بطور رایگان بدسترس آن‌ها گذاشته می‌شد، علاوه از آنکه ده‌ها هزار نفر کارکنان دولت دیگر ببازار مراجعه نمی‌کردند، در حیات اقتصادی خانواده‌ها تأثیر مثبت و بزرگ داشت و نرخ بازار می‌توانست غیر مستقیم تحت کنترل قرار داشته باشد.

اکنون که اقتصاد بازار بجای اقتصاد دولتی پالیسی اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد، این اقتصاد (اقتصاد بازار) نتوانسته نقش مهمی را در حیات اقتصادی جامعه (اکثریت مردم) ایفا نماید.

تا زمانیکه کشور ما تولیدات صنعتی و زراعتی نداشته باشد، تا زمانیکه صادرات کشور ما نسبت به واردات، افزایش نیابد، تا زمانیکه تولیدات داخلی و سرمایه‌گذاران ملی ما مورد حمایت دولت قرار نگیرند، تا زمانیکه قدرت و سرمایه بدست چند نفر محدود متمرکز گردد و تا زمانیکه دولت از سیستم‌های مختلط، کوپراتیوی و دولتی حمایت نکند، فقر و بیکاری نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه افزایش کسب خواهد کرد.

طوریکه به‌مهتر معلوم است که سمنت کشور (سمنت غوری) از کیفیت بلندی در منطقه برخوردار می‌باشد اما باز هم دیده می‌شود که روزانه صدها تن از سمنت

بی‌کیفیت پاکستانی وارد شهر کابل می‌شود و با سمنت کشور ما رقابت می‌کند. بهمین ترتیب بازار کشور ما ببازار مصرفی کالاهای بی‌کیفیت کشور‌های همسایه مبدل شده و کنترل نرخ بازار به دوش عرضه و تقاضا گذاشته شده است که این امر رفته‌رفته باعث آن خواهد گردید که اکثریت مردم توان خرید نیازمندی‌های خود را هرچه بیشتر از دست خواهند داد و فاصله میان دارا و نادار در جامعه هر چه بیشتر خواهد شد.

چرا ۴۲ درصد از مردم هستند که از برنامه‌های دولت حمایت می‌کنند؟ آیا این ارقام برای دولت قابل نگرانی نیست. چرا اکثریت مردم بحاشیه رانده شده‌اند و این برنامه‌ها چرا بسود اکثریت جامعه اجرا نمی‌شود.

دولت باید بداند که برنامه‌های آن توانسته صرف ۴۲ درصد از مردم را به حمایت خود بکشاند. اما بیشترین فیصد مردم ازین برنامه‌ها دور مانده‌اند و روی زنده‌گی آن‌ها تأثیر گذار نبوده است.

در شرایطی که اکثریت جامعه در فقر و بیکاری قرار داشته باشد، پس چگونه می‌شود از پیشرفت اقتصادی جامعه حرف زد. پس می‌توان نتیجه گرفت که زمانی که برنامه اهمیت دارد و یا برنامه می‌تواند حمایت اکثریت جامعه را کمائی کند که هدف آن تغییرات بینادی در زنده‌گی اکثریت مردم باشد. در صورت موجودیت فقر و بیکاری امکان آن وجود نخواهد داشت که دشمنان کشور از میان جامعه سرباز گیری نمایند.

بدون شك که این امکان وجود خواهد داشت. اگر وضع اقتصادی جامعه بدینگونه ادامه یابد، چگونه می‌شود که



با گام‌های لرزان بسوی آینده رفت و ترقی و پیشرفت را برای اکثریت جامعه به ارمغان آورد. نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان پالیسی و سیاستی راکه، در راه بهبود حیات اقتصادی - اجتماعی و

فرهنگي بتواند بطور واقعي در تغييرات اساسي زنده گي جامعه ما تاثير گذار باشد مورد پشتيباني قرار مي دهد و کاهش فقر و بيكاري را در جامعه نتايج منطقي تحقق همچو برنامه هاي علما تنظيم شده اقتصادي - اجتماعي براي جامعه ميداند و براي نجات مردم از رنجهاي بيكران ، مبارزه خواهد كرد. جامعه افغاني از بي عدالتي هاي بزرگ رنج ميبرد. فقر و محروميت ، موجوديت اشكال مختلف ستم ، نابرابريها و تسلط ، مناسبات عقب مانده و ظالمانه اجتماعي ، مظاهر روشن اين بي عدالتي هاست. اين وضعيت مغاير شان و حيثيت انسان و زندگي آبرومندان انساني است. و در واقع همين وضعيت اجتماعي منشأ بحرانها و انفجارات سياسي و اجتماعي شمرده ميشود. تيوري و تجربه انكشاف جهاني مويد آن است

که عدم تمرکز قدرت و ثروت یعنی استقرار یک دولت دموکراتیک ، توزیع عادلانه ثروت ها و درآمد ملی و ایجاد فرصت های برابر در عرصه تامینات اجتماعی - و رفع نیازمندیهای اقشار کم درآمد جامعه و کاهش فاصله طبقاتی ، استقرار مناسبات پیشرفته اجتماعی ، اقتصادی و سرانجام ایجاد جامعه مرفه و عادلانه فارغ از بی عدالتیها ، راه و راهکارهای معقول و اصولی تامین ترقی و عدالت اجتماعی میباشد. عدالت اجتماعی به دموکراسی و آزادی پیوند منطقی و ارگانیک دارد. به گونه که مردم زمانی آزاد بوده میتوانند که از فقر و ستم اجتماعی رهایی یابند و دموکراسی زمانی ارزش دارد که با عدالت اجتماعی توأم گردد.



یو فلسفی بحث

نجی الله "قاسمی"

## د بهرنی نری په پیژندنه کی د ذهن نقش

د دي لپاره چي ذهن د بهرنی نری په پیژندلو بريالی شی باید د دغی پیژند گلوي په پروسه کی دوه اساسی پروانه ووهی.

- د اثر منلو پر او یا " اثر پذیری "

- د تاثیر اچولو پر او یا " اثر گذاری "

۱ - د اثر منلو یا اثر پذیری پر او:

د اثر منلو یا اثر پذیری په پر او کی بهرنی واقعیتونه د خپلو ځانگړو خوندونو او رنگو نو سره پر ذهن اثر غورځوی دغه اثرات او اغیزی په ذهن کی تراکم پیدا کوی او ذهن د بهرنی نری د واقعیتو نو سره آشنا کوی . له هغه ځایه چی د انسان ذهن محدود او د بهرنی نری موجودات بی شمیره او نا محدود دی نوځکه هر څو مره چی په ذهن کی د بهرنیو واقعیتونو د تراکم ظرفیت زیات وی په هماغه کچه په بهرنی نری بانندی د ذهن د شنایی ساحه پراخه وی یعنی د بهرنی نری څخه د پوهی او درک کچه مستقیما متناسبه ده له دی سره چی د ذهن په غبرگی د چاپیریال او بهرنی نری کومه اندازه موجوداتو انځورونو ځای نیولی دی او د چاپیریال د رنگارنگ پدیدو و څومره انځورونه د ذهن په لمن کی متراکم شویدی . هر څومره چی د ذهن غیره د بهرنی نری د بیلا بیلو پدیدو د مختلفو انځورونو څخه زیاته مشبوع وي په هماغه کچه کیدای شی چی د ذهن د درک سطحه لوړه وی . باید هیره نکړو چی ټول ذهنونه "اذهان" یو ډول اثر پذیر ندی ځینی دیر او ځینی بیا لږ اغیزه منونکی دي خو په مجموع کی ټول ذهنونه د بهرنیو موجوداتو له اغیزو څخه متاثير کیري . بل ټکی چی په دغه پر او کی د یادولو وړ دي هغه دا دي چی ذهنونو د اخیستلو او ساتلو یعنی برداشت او نگهداشت له پلوه یوشان ندی د ځینو ذهنو نو برداشت د بیلا بیلو عواملو له کبله ( چی په دغه مضمون کی زموږ د څیرني له حوصلی نه بهر دی) کمزوری او د ځینو بیا د ( نگهداشت ) توان کمزوري دی. ځینی ذهنونه بهرنی پیچلی جریانات په مشکله نیسی او ځینی بیا بهرنی جریانات ا واقعیتونه ژر نیسی اما د ساتلو توان او قدرت یی کمزور وی.

بهرنی واقعیتونه او جریانات کیدای شی د انسان ذهن لپاره گټور او یا هم بی گټي او حتا په زیان وی خو د انسان

ذهن د بهرنی نری د پېرندني په دغه پیر او کي د بهرنیو واقعتو نو او جریاناتو د منلو څخه پرته چاره نلري.

## ۲\_ د تاثیر اچولو یا (اثر گذاري) پیر او

ذهن په دغه پیر او کي د بهرنی نری او چاپیریال د بیلا بیلو واقعتونو او دجریاناتو اثر اتو په نتیجه کي د چاپیریال د موجوداتو مثبتو او منفي اغیزو ته د ځواب ویلو جوگه کیري او ددي کار توان پیدا کوي تر څو د چاپیریال د واقعتونو او جریاناتو د منفي اغیزو چي د انسان وجود متاثر کوی ډډه وکړی د انسان ذهن د دغه جوړوونکي عمل د تر سره کولو لپاره نوی پیر او ته د اخلیري د غه پیر او د ذهن د اغیزی اچونی یا (تاثیر گذاري) پیر او دی. په دغه پیر او کي د انسان ذهن هڅه کوي چي د هغو بهرنیو جریاناتو چي د انسان پر وجود منفي اثرات غورځوي او یا د انسان وجود د گواښ سره مخامخ کوي مخ نیوي وکړي ددغي مخنیوي لپاره ذهن دی ته اړ کیري چي نه یوازي د بهرنیو جریاناتو او واقعتونو اثرات او اغیزو د له منځه وړلو لپاره لاري چاري ولټوي د انسان د ذهن دغه پیر او د ذهني انکشاف او پرمختک پیر او دی. ذهن د ذهني انکشاف او پرمختک په دغه پیر او کي د انسان ارادی جلو په لاس کي نیسی او د انسان د عمل لارښوونه کوي باید په یادولو چي دا د انسان ذهن د ذهني انکشاف او پرمختک پیل او د بهرنیو واقعتونو د پېژندني اغاز دي د انسان د ذهن د ذهني انکشاف په دغه پیر او کي د انسان د ارادی او عمل د لارښود د دنده په غاړه لري د انسان ذهن هڅه کوی تر څو د طبیعت د نا مطلوبو او ناوړه اغیزو څخه د نجات او خلاصون لپاره د فعالیتونو او هڅو عملیه گړندي کړي همدغه عمل دي چي تجربی رامنځ ته کوي ممکن ددغه عمل په نتیجه کي چي انسان کومي تجربی تر لاسه کوي په لمر یو کي مثبت او گټور نتایج تر لاسه نشي خو باید په یاد ولرو چي دغه لمرني تلاشونه او هڅي دي چي د پیر مختللي نري د علمي تیوریو او علمي انکشافاتو او انکشافاتو اغازنی بللی شو.

## بیانیه فاروق تلاش نماینده گروه کار در همایش نیروهای ملی ودموکرات در کابل

دوستان محترم ازیڼکه بعد از چند سال چهره های دیروز و جوان امروز را میبینم بسیار خوشحال هستم از نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان که زمینه چنین یک دعوت را از شهر کابل و ولایات درین همایش فراهم ساخته و سازمان های مختلف را دور هم جمع نموده ابراز سپاس میکنم.

من از صحبت بزرگ صاحب دو موضوع را بیرون نویس نمودم که عبارت از مسایل ملی و بین المللی است .



در حل مسایل ملی بود که مرکز گرا و مرکز گریز مطرح شد. در مسایل بین المللی نیرو های ناتو و پارانش و پاکستان مطرح شد که واقعا در شرایط موجود یکی از معضلات بسیار مهم بین المللی است.

گر چه ما از نقطه نظر عقاید و مسایل استراتیژی و اهداف نهائی فدرالیست هستیم چه این را شما قبول دارید یا نی ولی ما با بسیار از سازمان ها و شخصیت ها تفاهم و نزدیکی داریم . که میتوانیم در حل مسایل ملی کشور همکاری و هم اهنگی داشته باشیم و میتوانیم در یک ائتلاف یا جبهه با هم کار کنیم ولی این ائتلاف از طریق تحت فشار قرار دادن مرکز از طریق دهات باشد چرا که

اگر به دهات توجه نشود بسیار لجام گسیختگی بمیان میاید همین اکنون من به ولایات شمال بودم در انجا کسی والی، قوماندان امنیه ؛ رئیس امنیت ملی را ملاقات نمیتواند . ریس محکمه . از اسمان گز میکند

یک اصل را طرح میکنم که والی ها ، و لسوالها . شاروالها مانند ریس جمهور و وزرا که از پارلمان رای میگیرند توسط مردم انتخاب شوند و انجا که کل کشور را نان میدهد چرا انتخابی نباشد .

دوم در مساله بين المللی بايد گفت واقعا وضعیکه در افغانستان وجود دارد دشوار است گاهی هلمند گاهی نورستان و زمانی هم یک جای دیگر سقوط میکند . تلویزیون ها هم اخبار عجیب و غریب پخش می نمایند و دولت هم اعلان میکند که ما این مناطق را دوباره میگیریم ریس جمهور در جلسه لندن از صدر اعظم انگلیس تقاضا میکند که به لحاظ خدا مردم ما را بمبارد نکنید ولی هیچ منبع ، سازمان و حکومتی راه حل اصلی را مطرح نمیکند . ما هم در این جا به صراحت گفته نمیتوانیم همه شما میدانید که از سال ۱۸۹۳ مساله خط دیورند یکی از معضلات اساسی بین ما و پاکستان باقی مانده این خط منحوس ملت ما را از نقطه نظر جسمی و انسانی و معنوی خورد، دولت ها آمدند و رفتند و هیچکدام چاره اساسی را مطرح نساختند و روز خود را گم کردند و از کنار ان گذشتند . امروز هم ملل متحد کشور های اروپای و ناتو همه اینجاست و این موضوع را باز هم شورا ، حکومت انرا مطرح نکرده و شاید این معضله را ما به نسلهای بعدی باقی بگذاریم.

ما باید از طریق مذاکره این را یک طرفه کنیم که خط دیورند را بر سمیت میثناسیم یا نمیثناسیم ما باید راه حل پیدا کنیم و در هر دو طرف خط ریفراندم انجام دهیم . به ملل متحد و کشور های بزرگ مراجعه کنیم و از طریق لویه جرگه و یا تدابیر دیگر انرا حل نمایم .

اگر تا دوصد سال این معضله حل نشود پاکستان به صدور تروریزم و جنگ ادامه خواهد داد . باید کشور از این معضله بیرون شود .

مساله ناتو و نیرو های خارجی که در افغانستان آمده واقعا جای تاسف است، اینطور نشود که دیروز هورا، هورا، گفتیم امروز باز یک ملامتی تاریخی و محکومیت دیگر متوجه ما شود.

نیرو های ناتو و امریکای ، ایساف به افغانستان آمده باید، به ملل متحد مراجعه کنیم به کشور های بزرگ پیام بفرستیم و با حلقاتیکه تماس است صحبت کنیم تا دیگر کشور های زیدخل در قضایای افغانستان را هم شریک سازیم.

شش کشور همسایه داریم یکی انطور است که میدانید، پنج دیگر چه می کنند اینها اوضاع را تماشا میکنند کسی اینها را دعوت نمیکند . کشور های اسلامی چه می کنند ۲۶۰۰۰ نفر را سه سه هزار دالر داده میتوانند ، عربستان سعودی در باره افغانستان یک فتوا هم صادر نمیکند .

ما باید سر منشی ملل متحد ، حقوق بشر ، سران کشور ها به شمول پوتین و دیگران پیام بفرستیم انان را وادار سازیم صحبت کنیم تا نیرو های از کشور های اسلامی به ما بفر ستند تشنج از بین برود.

ایا شما دیده اید کسی عرب و یا ترک را کشته باشد ؟ نی این مردم به اسلامیت و کلمیه الله معتقد اند و و عرب و ترک را احترام میکنند و انان شامل نیرو های ناتو میشوند و وضع بهبود میابد . و اگر این کشور ها همکاری کنند تشنج از بین میرود.

زنگنه های خطر ناک وجود دارد عراق باید به مناطق شیعه، سنی و کرد تقسیم شود . بوش از جنگ جهانی سوم حرف می زند . روسیه ، چین و هند با تشویش بسر میبرند . این مسایلی اند که باید بالای ان جرو بحث شود .

اگر در کشور ما صلح و امنیت تامین شود بیانیه های ارمانی رفقا تحقق پیدا میکند.

**در مورد کمیسیون : خدمت دوستان تذکر بدهم که بهترین حرف است که توسط داکتر صاحب منگل نماینده شورای اروپای نهضت فراگیر مطرح شد ، ائتلاف بهترین حرف است .** باید همین روز و یا فردا درباره تصمیم گرفته شود و پرنسیب های ان ریخته شود من یک حرف را پیشنهاد میکنم در کمیته رهبری ائتلاف باید حقوق مساوی قابل شوید پشت اکثریت و اقلیت نگردید از هر سازمان اگر خورد است یا کلان ۲-۲ نفر شامل شود . اگر به تاریخ نظر اندازی کنیم همه ما یک دوره با ختیم اگر حکومت کردیم چپ و یا راست بودیم از حکومت چپی گرفته تا مجاهدین ، طالبان و کسانیکه با انهایکه همکاری کرده اند . حکومت فعلی هم نمیتواند ادعا کند که فلان کار خوب انجام داده است و یک تعداد برادران چپ ما که در دولت فعلی هستند همه میدانند کدام کاری از پیش نبرده اند . بیاید از چهار سازمان شروع کنیم اگر اکثریت است یا اقلیت ، اگر شش سازمان یکی شود و در یک مظاهرنجاه هزار نفر را بکشند ما می توانیم بالای ملل متحد طرح های خود را بقبولانیم .

توملل متحد در دالفور و یوگوسلاوی داخل شدی ولی در افغانستان بیکار نشسته با ۸۰ سازمان در دفتر خود نشسته و راپور میگیری که چه کردی ، بفرما همراهی ما این کار را بکن تمام اداره امور و نظم را بدست خود

بگیر. و رفقا توجه جدی شما را می‌خواهم و باز می‌گویم در کمیون رهبری ائتلاف از لحاظ کمیت حق مساوی قابل شویدیخیر است اگر کسی کلان حزب است یا خرد و اگر واقعا می‌خواهید تفاهم داشته باشید. از توجه تان تشکر.

## مبانی تاریخ بازار مشترک

شیر محمد بزرگر

سخن پیرامون مبانی و تاریخ پیدایش بازار مشترک اروپا و بعبارت دیگر علل و عوامل بنیادی ایجاد این همایش بزرگ بین المللی است. هنگامیکه در ژوئیه سال ۱۹۷۵ عیسوی قرارداد مربوط به ایجاد اتحادیه اقتصادی اروپا در شهر روم پایتخت ایتالیا بین کشور های فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ به امضا رسید بسیاری از مبصرین و صاحب نظران تصور میکردند که باز یک تجربه محکوم به شکست آغاز شده است و یک بار دیگر کوشش برای وحدت اروپا به ثمر نخواهد رسید. اگر ما به مطبوعات آنروز و به خصوص مطبوعات کشور های انگلستان و فرانسه مراجعه کنیم میبینیم که امضا قرارداد تشکیل اتحادیه اقتصادی اروپا و ایجاد بازار مشترک میان شش دولت اروپایی با بدبینی و تردید و حتی تمسخر فراوان استقبال شد. هنگامیکه در اوایل ژوئیه ۱۹۵۸ عیسوی اجرای قرارداد دوم با شروع کار هیئت اجرایی بازار مشترک در بروکسل آغاز شد هیچکس باور نمی کرد که این تاسیس جدید با سرعت شگفت آور بست و توسعه پیدا کند. حالانکه امروزه دیده میشود که بازار مشترک اروپا با وجود جو جدید سیاسی، نظامی جهان و در گیری با یک بحران واقعی که متأسفانه باید در فرصت معین تجزیه و تحلیل گردد نیاز دارد.

حال سوال بوجود میاید که چرا بدبینی و چرا کامیابی؟

بدبینی که تاسیس بازار مشترک اروپا را استقبال کرد ناشی از تجربه های ناکامی بود که بخصوص بین دو جنگ جهانی برای وحدت اروپا انجام گرفت ضمناً هنوز درد ها و رنج های ناشی از جنگ بزرگ جهانی که در درجه اول یک جنگ اروپایی بشمار میرفت التیام پیدا نکرده و از یاد نرفته بود لذا برای اذهم و افکار عمومی قابل تصور نبود که آنهمه ستیز و مخاصمه و کشت و کشتار یکباره به وحدت و دوستی و تفاهم تبدیل شد. فراموش نکنیم که در جنگ بزرگ جهانی و بعضی مخاصمت های دیگر که در سال های آخر دنیا را به خاک و خون کشید اختصاصاً ریشه های اروپایی داشت، این طبیعی به نظر میرسد که درین شرایط تشکیل بازار مشترک با خوشبینی و حسن استقبال روبرو نشود.

اکنون به این سوال پاسخ داد که چرا کامیابی: نظر نویسنده و هم کسانی که به این موضوع به تفکر پرداخته اند عقاید آنها را نقل میکند علت را باید در وجود عوامل سیاسی و بنیادی مثبت و همجهت با تشکیل این بازار تلقی کرد، عواملیکه در سالهای بین جنگ دوم جهانی وجود نداشت مثلاً در سالهای ۱۸ و ۱۹۱۴ که سیاست خارجی فرانسه بیشتر تحت تسلط شخصیت برجسته ( ارسید بریان ) و سیاست خارجی آلمان تحت تسلط شخصیت برجسته ( اشترا زمن ) قرار داشت این دو کشور مدار بزرگ اروپایی کوششهای فرانسه برای حل اختلافات که منجر به جنگ اول جهانی شده بود به عمل آوردند، قرار داد های که موافقت نجامید زیرا از یکطرف روح ملت گرایی افراطی آلمان را به لرزه در آورده بود. اشتباهات ناشی از پیمان ورسا مانع میشد که ان کشور نتواند سیاست مقعول در پیش گیرد و از طرف دیگر فرانسه که در سالهای قبل از جنگ جهانی یکی از ابر قدرت های دنیای آنروز حساب میشد به تدریج دچار نا به سامانی های سیاسی داخلی و تغییر مداوم دولت های گردید. کشور بلژیک دارای حکومت مقتدر داخلی نبوده نمیتوانست در صحنه سیاست بین المللی نقش آمیخته به احتکا و تصمیم را ایفا کند.

اگر تاریخ فرانسه را در سالهای بعد از جنگ جهانی اول بخصوص بعد از سال ۱۹۲۷ و ۲۸ و جنگ دوم جهانی ۱۹۴۶ - ۵۸ را مطالعه کنیم بخوبی دیده میشود که اکثراً به هنگام بروز بحران های بین المللی با ضرورت اتخاذ

تصمیمات مهم دولت فرانسه در حال استعفا یا گرفتن رای اعتماد و بطور کلی غیر موجه بود " به هر حال ظهور و تسلط هتلر نا به سامانی های داخلی فرانسه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و رکوت طولانی بزرگ سالهای بعد از آن مانع شد که اندیشه دور و دراز افراد مثل ( ارسید بریانی ) و ( اشتر زمن ) و دیگران بمرحله تحقق رسد . و صدای چکمه ها و فریاد های جنگ طلبی خیلی زود این کوشش ها را ببرد و یا لااقل در خود مستحیل نمود . اما بعد از جنگ دوم جهانی چنین نبود ، از اینجاست که میتوان به مبانی واقعی تاریخی ، اقتصادی اساس تشکیل بازار مشترک اروپا پرداخت . مبانییکه ذکر و توضیح آنها توجیه کننده علل کامیابی نسبی این تاسیس اقتصادی بین المللی بعد از آن بود اگر به بیان بسیار زیبا و پر معنای دو مرد سیاسی بزرگ اروپایی یعنی ( چرچل ) و ( جنرال دوگل ) مراجعه کنیم میبینیم که هر دو عمیقاً معتقد بودند که بعد از پایان جنگ باید به بنیان گذاری اساسی و همکاری میان کشور های اروپایی پرداخت . ( ادامه دارد )....

## دور از میهن برای میهن چی می توان کرد؟

پوهندوی دکتر محمد داوود "راوش"



آزرده کرد گژدم غربت جگر مرا  
" ناصر خسرو "

دوری از یار و دیار و دوری از آب و هوا ، صرفاً یک جهت دوری از زادگاه و پرورشگاه انسان که میهن اش گویند ، است . غربت و آواره گی عارضه جدی برای عواطف انسان ببار می آورد . به ویژه آنگاهیکه تشکل کرکتر صورت گرفته باشد . و فرد داستان آواره گی را دنبال کند و خود یکی از بازیگران آن باشد . این جهان به اصطلاح دهکده شده به اندازه برای باشنده گان خودش غریب است ، که در کشور همسایه یکی برای دیگر بیگانه می نماید . با آنکه چقدر ویژه گی های انسانی انسان با هم مشابه اند و نکات اشتراک فراوان است . واقعا هم آدمی در ذات و سرشت حداقل بیولوژیک خود تفاوت بنیادی ندارد . عامل بیولوژیک که چقدر مهم است ، یعنی در حقیقت خون و گوشت و پوست و استخوان و مغز و عضلات ، دیگر ، کاملاً همگون اند . هر انسان نورمال و سالم در جهان همان اعضای را دارد که در گوشه دیگر انسانی صاحب آن است . خلاصه ساخت و ریخت بنیادی فرقی ندارد ، کوه و دشت و جنگل و دریا نیز در همه جاست ولی این همه عشق و علاقه و دلبسته گی و حتا وابسته گی میهن از چیست؟ گویند از اندیشه و فکر آدمی منشا دارد . گویند از فرهنگ و عادات و رسوم ؟ و گویند عامل تربیت و زبان و ... ؟

آدمی در جریان حیات که از نخستین روز چشم گشودنش آغاز می گردد ، توسط چشم و گوش و همه حواس ، رنگها و صدا ها و رنج ها و شادی های اطراف را ثبت می کند . کجا معلوم که شاید با خود سخن بگوید چون ماده مغز فعال است و ناخودآگاه از همانجا منشا یابد . بعدش هم به قول سعدی شیوه راه رفتن می آموزد و از دامن مادر اندک دور می شود و کنار می رود . هم بازی ها و اطرافیان اش بیشتر و بیشتر می گردند ، و دید و درکش گسترده تر می شود .

در اینجا سر آنرا نداریم که مسیر زنده گی فرد و داستان تو در تو و میان در میان حیات را بنگاریم ، اما اندکی باید به آن بپردازیم تا این همه سرگشته گی های انسان را که یکی از اشکالش در زمان ما همانا داغ آواره گی و غربت است ، در حد تحلیل خود آشکار سازیم .

گفتیم در همین جریان تشکل و تکامل کرکتر که از همبازی های دوره کودکی تا طفولیت و به اصطلاح بچه گی و بعدش هم نو جوانی و جوانی عواطف شکل می گیرد و اندیشه آدمی به تفکر کردن و ژرف اندیشدن می پردازد ، شخصیت شکل می گیرد و از همه مهم تر در اینجا عنصر تفکر نقش محوری داشته و حتا احساسات و عواطف را مهار کرده و سمت و سو میدهد .

مسلم است که برداشت ها و دریافت های ما همه و همه با همین تعقل و تفکر صورت می گیرد و به قول مولانا مابقی خود استخوان ریشه ایم و محور اندیشه است . بنا هر کس ، هر قدر عقلش به اصطلاح زیاد و درکش

ژرفتر تعلیقیت و وابسته گی اش به این " اصلش " یعنی میهنش بیشتر و باز هم درد غربتش اضافه تر .  
با اینکه قرن ۲۱ داغ آواره گی بر جبین دارد و صد حیف که ما در اینجا باز هم به قول شاعر :  
پیش از این بر رفته گان افسوس می خوردند خلق  
می خوردند افسوس در ایام ما بر زنده گان ...

از فراق دوستان پرهیز در رنجیم ، و در حقیقت از دوری زنده گان پر فیض خویش که داخل کشور از آنها تهی  
است ، محروم دیدار و محبت و گفتار و کردار شان هستیم . گاهی فکر می کنیم دلتنگی ما بیشتر از آنان است ،  
گاهی هم ، شهری را تهی در برابر چشمان خود ، می یابیم . هم چنان به قول فردوسی که میگوید:  
هیچ شادی نیست اندر این جهان  
برتر از دیدار روی دوستان...  
هیچ تلخی نیست بر دل تلختر  
از فراق دوستان پر هنر...

دوری این دوستان پرهنر را در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی میابیم... هر چند ساده انگارانه خواهد بود که  
بگوییم دور افتاده گان عزیز برگردید که وطن جان و جهان است و ..... ولی یک نگاه گذرا می رساند که نیروی  
فعال و پرهنر که می توانند زمینه آمدن خویشرا مطالعه کنند و همه کار و بار را یکسو و غم یار و دیار را سوی  
دیگر گذارند، یک مقدار در این امر با سرعت بیشتر برخورد نموده و کار ها را سهل کرده و بیابند تا از ورطه  
خطرات بعدی سرزمین را نجات دهند و در امر انکشاف و توسعه آن سهم شایسته گیرند. به شهر خود روم و  
شهریار خود باشیم.....

هروقت خوب وقت است ولی لحظات حساس تاریخ ، حساسیت خود را در همان مرحله خاص خودش برای همان  
نسلی از نسل های بشری دارد که در همان برهه یی از زمان زیست می نماید.

زیر گردون تا قیامت بایدم آواره زیست  
سخت مجبورم خدنگ نه کمانم کرده اند..  
"بیدل"

ما در برابر جنگ خانمانسوز قرار گرفتیم که در نهایت تفنگ و تیر و کمان حاکم شد و ما از دست آن بی خانمان  
شدیم ، بیجا شده گان داخلی هم فراوان داریم ، گویی ملتی در حال بیجا شدن است !!

سر کوی بلند دوان دوانم  
کمان در کتف و خنجر در میانم  
الهی بشکند دست کمان ساز  
که از دست کمان بی خانمانم

خلاصه این درد وطن و یاد وطن همان عواطف ، کرکتر و شخصیت شکل گرفته ما در طول زمانست و این یاد  
آشنایان که در حقیقت بیشترینه یاد همان عواطف است جهان دیگر را تنگتر از قفس می گرداند.

از درد وطن گشت ذوق غربتم  
بسکه یاد آشنایان کردم قفس هم تنگ شد  
" بیدل "

در این چشم انداز که از نظر حقوقی و بویژه پیشینه تاریخی مهاجرت و اسناد و تصویب شده بین المللی و ....  
بحثی نشده ، جا دارد که بگوییم ؛ عمدتا مهاجرین از آن تکرار ها خسته اند و نخواستیم ملامت خاطر بار آریم .  
آنچه را در این مقاله خیلی ها به حیث نکته حایز اهمیت در باره حقوق حقه همه عزیزان دور از میهن میدانیم  
همانا کسب حق اشتراک ایشان در انتخابات هاست.

همه نهاد های مهاجرین و پناهنده گان و .... باید به هر وسیله ممکن در پی کسب این حق و چگونه گی سازماندهی  
آن برآیند تا فرصت کوتاه باقیمانده نیز از دست نرود.

ما این ضرورت مبرم را احساس میکنیم که نقش هم میهنان ، دور افتاده ما که از امکانات سازمان یافته گی بهتر  
برخوردار اند ، با اتخاذ تصمیم و دریافت راه کار های نوین و با انسجام ، خیلی ها قابل توجه و ارزنده خواهد  
بود. از تجارب کشور هایی مشابه استفاده شده می تواند و نهاد های حقوقی بین المللی مانند نهاد حقوق بشر و ...  
نیز از آن حمایت خواهند کرد. مهم اینست که در هر جای دنیا که هستیم نقش و موثریت خود را داشته باشیم. و  
یکی از راه های عملی ایفای این نقش حق کسب شرکت در انتخابات است که عمدتا انتخابات پارلمانی و ریاست  
جمهوری می باشد. تا جایکه میدانیم و به احتمال خیلی ها قوی ، در اپریل ۲۰۰۹ انتخابات ریاست جمهوری

برگزار می شود. و حدوداً ۱۵ ماه وقت باقیمانده ، وقت زیادی نیست. و به قول شاعر ، فرصت گذران است ، چرا زود نکوشی...

در نتیجه می توان گفت دور از میهن برای میهن کار های زیادی را میتوان انجام داد که یکی از آنها مشارکت در تعیین سرنوشت آن در زمان کنونی است و این مشارکت همانا شرکت در انتخابات می باشد.

## اشعار عرفانی

### بحث ادبی

عارف بکسی گفته میشود که ترک مآسوی الله (انچه غیر خداست )

کرده باشد این طریقه در بین مسلمین از قرن دوم هجری قمری ظاهر شد و در قرن چهارم رونق تمام یافت و در قرن هفتم و هشتم هجری ق به صورت یک مکتب نظری امیخته به فلسفه و کلام و تا حدی مبتنی بر فکر اتحاد و وحدت وجود و عشق به خدا امکان اتصال مستقیم بوی درآمد.

تصوف بیش از هزار سال در ممالک اسلامی رواج داشته و اکثر حکیمان ، عالمان ، شاعران و ادیبان باین طریقه آشنائی داشته اند . صوفیان تحت تأثیر آیات مکی قرآن کریم که متضمن وعید (تهدید) و انداز (تنبه) و تخویف (ترساندن) بوده و در بین مسلمانان فکر خشیت (ترس از خدا) را پدیدار ساخته و آنها را به سمت ترک دنیا و پیچیدن به دامان زهد ترغیب میکردند . اگر چه حضرت رسول اکرم "ص" مسلمانان را از افراط در زهد منع میفرمود لیکن بعد از توسعه قلمرو اسلامی و سرآزیر شدن غنائم و فتوحات بسیار به مدینه و عدم توزیع صحیح ثروت بین مسلمین که موجب ظلم و جور خلفا به عامه مردم شد عده از مسلمین با تکیه بر زهد و تفشیف (اکتفا به خوراک و پوشاک اندک) خواستند بدینوسیله اعتراض خود را به سردمداران حکومتی اعلام کنند ازین رو با استناد به آیات و احادیث اعمال خود را مستدل و موجه جلوه میداند .

عرفان اسلامی عمدتاً در سه صورت تجلی کرده است :

۱- عرفانی که تنها از چشمه شریعت سیراب میشود .

۲- عرفانی که به ذوق و شهود قلبی و روحی متکی است

۳- عرفانی که جمع بین این دو صورت را طالب است.

از منسوبین به گروه اول میتوان حارث محاسبی ، ابوالقاسم قشیری ، عبدالقادر گیلانی ، خواجه عبدالله انصاری و شهاب الدین سهروردی را بر شمرد . از مشاهیر گروه دوم بایزید بسطانی ، منصور حلاج ، محی الدین بن عربی و از گروه سوم ابو سعید ابوالخیر ، عطار نیشاپوری و جلال الدین رومی را میتوان نام برد.

### مازببالامیرویم

ما زدریاییم و دریا میرویم  
ما ز جاییم و بیجا میرویم  
همچو لا ماهم به الامی رویم  
لا جرم بی دست و پا می رویم  
باز هم در خود تماشا میرویم  
ما مثال رشته یکتا میرویم  
پس بدان که هر دمی ما میرویم  
تا بدانی که کجا ها میرویم  
ما به کوه قاف و عفا می رویم

مازببالاییم و بالا میرویم  
مازان جا و ازین جا می رویم  
لا اله اندریبی الا الله است  
گشتی نوحیم و در طوفان روح  
همچو موج از خود برآوردیم سر  
راه حق تنگ است همچو سما الخیاط  
هین ، ز همراهان و منزل یادکن  
خوانده انا الیه راجعون  
ای که هستی ما ، راه را امید